

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۸۹ تا ۱۲۴

ناکامی آمریکا در تأمین امنیت عراق (با تأکید بر جایگاه حشدالشعبی در امنیت آفرینی)

تورج افشون^۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰

چکیده

هجوم داعش به خاک عراق به‌رغم اینکه تهدید بزرگی به شمار می‌رفت با دوراندیشی و درایت مرجعیت نجف به فرصتی بی‌نظیر در ساختار نظامی - امنیتی عراق در راستای ایجاد امنیت مردم‌پایه تبدیل گردید و در واقع اثبات نمود که قدرت‌های بزرگ و اشغالگران تنها درصدد مدیریت اوضاع برای تأمین منافع خود هستند، نه تأمین امنیت مردم منطقه. بنابراین امنیت مردم‌پایه‌ای باید شکل می‌گرفت تا ادعای کاذب مدعیان را نقش بر آب کند؛ امنیتی که در واقع دو محور عمده فعالیت آن، حضور دو عنصر دین و مردم در ساختار آن (به‌مثابه ویژگی‌های عقیدتی - مردمی) است. اکنون حشدالشعبی در عراق با الگوگیری از این قاعده، توانسته است تأثیر به‌سزایی در از میان بردن ناامنی‌ها و جبران ناکارآمدی‌ها و اشتباهات اشغالگران در عراق داشته باشد. در حال حاضر می‌توان ادعا کرد که حشدالشعبی به‌مثابه ساختاری عقیدتی - مردمی که با الگوگیری از بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران تکوین و تشکیل گردید، در واقع خلأ ناشی از «ناکارآمدی ساختار چینش شده از سوی اشغالگران در دوره پساصدام» را پر کرده و تبدیل به نیرویی ذاتی و کارآمد در عرصه امنیت‌آفرینی برای جامعه و حکومت در عراق گردیده است؛ از این‌رو، نیروی حشدالشعبی را می‌توان به‌عنوان نوظهورترین نیروی نظامی، مردمی و عقیدتی در عراق دانست که در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور به‌خصوص در جنگ با داعش است. پژوهش حاضر در پی تبیین این مهم است که تکیه بر مردم در عرصه‌های نظامی - امنیتی، همواره کارسازتر از وابستگی نظامی به قدرت‌های بزرگ بیگانه بوده و از همین رو، حشدالشعبی، به‌رغم برخی چالش‌ها، واجد دستاوردهای بزرگی در صحنه نظامی - امنیتی بوده است؛ به‌گونه‌ای که ناکارآمدی توافقنامه نظامی - امنیتی میان واشنگتن و بغداد را بیش‌ازپیش نمایان ساخت و نگاه‌ها را به سمت «ایجاد امنیت بر پایه‌های عقیدتی و مردمی» سوق داد.

کلیدواژه‌ها: حشدالشعبی، مرجعیت، امنیت مردم‌پایه، محور مقاومت، داعش، آمریکا.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. Email: t.afshon55@gmail.com

بیان مسئله

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی و سرنگونی رژیم بعثی موجب وجود رقابت‌های مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیک در تقسیم قدرت، گسترش خشونت و افزایش تروریسم و نیروهای افراطی، رقابت نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی در عراق و تقویت عنصر شیعی و کردی در ساختار سیاسی عراق گردید؛ به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد که آمریکا از ابتدا اراده‌ای برای تأمین تمام‌عیار امنیت در عراق نداشت و تمام توان خود را برای استقرار امنیت در عراق به کار گرفت. از همین رو، پس از حمله داعش به سرزمین عراق، مداخله مثبت علما و مردم توانست به پایانی برای مداخله منفی اشغالگران در تأمین امنیت مردم بیانجامد.

حمله داعش به عراق در واپسین ساعات شب در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی (شب ۲۰ خرداد ۱۳۹۳) اتفاق افتاد. نیروهای دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به دنبال پیشروی به شمال عراق، کنترل شهر موصل را به دست گرفتند. حدود ۱۳۰۰ نیروی تروریستی و مسلح، کنترل مقر دولتی استان نینوا را در دست گرفتند. در ادامه پیشروی‌های داعش در مناطق عراق در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی، شهر تکریت مرکز اداری استان صلاح‌الدین (واقع در شمال سامرا) به اشغال نیروهای تروریستی داعش درآمد؛ به گونه‌ای که سقوط این مناطق توسط داعش همه مسئولان و مردم عراق را غافلگیر کرد. بر اساس مستندات موجود، تعداد ۳۰ هزار نیروی مسلح رسمی عراق در موصل هم‌زمان با ورود داعش حضور داشتند اما تنها واکنش این نیروها عقب‌نشینی و ترک مکان‌های خود بود. به گفته اکثر کارشناسان و مسئولان عراقی، ورود داعش به عراق تنها یک تهاجم خارجی نبود بلکه یک توطئه داخلی کاملاً سازماندهی شده نیز بود که عامل اصلی آن مسئولان و فرماندهان نظامی برخی شهرها بودند.

درواقع باید اذعان کرد که پتانسیل عظیم مردمی کارسازترین ابزار برای مقابله با این پدیده شوم بود؛ تا جایی که هم‌اکنون نیز، نیروی حشدالشعبی را می‌توان به‌عنوان نوظهورترین نیروی نظامی، مردمی و عقیدتی در عراق دانست که در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور به‌خصوص در جنگ با داعش است. این نیرو که شامل بخش‌های مختلفی است در سال ۲۰۱۴ میلادی و بعد از سقوط شهرهای مهمی

مانند موصل و تکریت به دست داعش با فتوای مرجعیت و استقبال مردم و همچنین حمایت‌های دولت و نیروهای سیاسی تشکیل شد و جمهوری اسلامی ایران نیز به درخواست دولت عراق، نقشی جدی در پیگیری، شکل‌گیری و تکوین قدرت آن داشته است. به‌هرحال تشکیل حشدالشعبی فرصتی بی‌بدیل و بی‌نظیر را برای جامعه و حکومت عراق به‌عنوان تکیه‌گاه محور مقاومت قرار داده است تا از این استعداد بالقوه انسانی در راستای عمق‌بخشی به محور مقاومت و «گفتمان انقلاب اسلامی» بهره‌برداری شود.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که «با توجه به ناکامی قدرت‌های بزرگ در تأمین امنیت، نقش و جایگاه حشدالشعبی در امنیت‌آفرینی در عراق چگونه و با چه مؤلفه‌هایی بوده است؟»

بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش در واقع با توجه به سؤال مطرح‌شده بر این مبنا قرار گرفته که تشکیل نیرویی با عنوان حشدالشعبی در ایجاد امنیت مردم‌پایه بسیار تأثیرگذار بوده؛ تا جایی که توانسته است، ضمن پر کردن خلأ ناشی از ناکارآمدی آمریکا در تأمین امنیت، تهدیدهای اصلی را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. به‌علاوه، باور به قدرت امنیت‌آفرین مردم را در سیاست‌گذاران عراقی افزایش داده است.

هدف از پژوهش حاضر در واقع علاوه بر شناخت حشدالشعبی و ساختار آن، میزان تأثیرگذاری آن در تحولات جاری و آتی عراق در راستای ایجاد امنیت است. موضوع پژوهش از این رو حائز اهمیت است که حشدالشعبی به‌عنوان یکی از بازوهای محور مقاومت در عراق، تجربه‌ای ذی‌قیمت را در عرصه امنیت‌آفرینی ایجاد کرده و شناخت نقاط قوت و ضعف آن برای سیاست‌گذاری در آینده عراق و حتی منطقه، بسیار مهم است. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های دیگر در این زمینه باشد. بررسی موضوع از جنبه‌های دیگر نیز دارای اهمیت است و می‌توان از تجارب به‌دست‌آمده در عراق توسط نیروهای مردمی، در راستای امنیت‌سازی در سایر مناطق بهره‌برداری کرد.

متغیرهای اصلی پژوهش یادشده شامل حشدالشعبی (و به دنبال آن ناکارآمدی اشغالگران

در تأمین امنیت به‌مثابه علت اصلی موجد در امنیت مردم‌پایه) به‌عنوان متغیر مستقل و ایجاد امنیت به‌عنوان متغیر وابسته است.

روش تحقیق نیز کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است که بر این مبنا، جمع‌آوری داده‌ها، مبتنی بر جمع‌آوری از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. در پایان نیز بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

مقدمه

تکوین حشدالشعبی و مشارکت گروه‌ها و جریان‌های مختلف قومی - مذهبی در بدنه اصلی آن، در واقع مهم‌ترین تحول در عرصه سیاسی - امنیتی عراق پس از هجوم داعش، با توجه به ناکارآمدی مؤلفه‌های امنیت‌ساز اشغالگران، به شمار می‌آید که شاخصه‌های اساسی شکل‌گیری آن مرجعیت محوری و مردم‌محوری است.

امنیت مردم‌پایه، در واقع مفهوم جدیدی است که در عرصه عملی و تئوریک، با شکل‌گیری «بسیج مردمی» در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شکل گرفت و در واقع دو محور عمده فعالیت آن، حضور دو عنصر دین و مردم در ساختار آن (به‌اصطلاح ساختار عقیدتی - مردمی) است. حشدالشعبی در عراق نیز از این قاعده، مستثنا نیست و در واقع الگوی امنیتی مردم‌پایه موجود در بسیج، به اذعان برخی شخصیت‌ها و دولتمردان عراقی تأثیر به‌سزایی در تکوین و تطور آن داشته است.

شکل‌گیری نیروی‌های مردمی متشکل از قشرها و گروه‌های مختلف مردم، نمایانگر گونه‌ای خاص از مشارکت مردمی، به‌صورت فراگیر و عمومی در «ایجاد امنیت» و انسجام ملی کشور است. این مهم با حضور گسترده بسیج در متن جامعه معنا پیدا می‌کند و تا حد زیادی دولت و ملت را به‌ویژه در چهارچوب مشارکت در امنیت ملی به‌عنوان دغدغه عمومی مردم جامعه، در یک جبهه قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر بسیج این نیروها، اندیشه امنیت ملی را از سازمان‌های رسمی و خاص حاکم، به بدنه جامعه و «نیروهای رها از حاکمیت» منتقل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از منظر پایگاه مردمی می‌توان به مقوله

امنیت، نگرشی نوین داشت؛ بنابراین شکل‌گیری و توسعه نیروهای مردمی یا حشدالشعبی در عراق را بایستی یکی از تأثیرگذارترین موضوعات در صحنه نظامی - امنیتی علیه داعش در چند سال اخیر محسوب کرد.

هجمه گسترده داعش به خاک عراق در خرداد ۱۳۹۳ (ژوئن ۲۰۱۴ م)، به‌رغم تبعات امنیتی و سیاسی، دستاوردهای مهمی را نیز به همراه داشت. قاعده «ایجاد امنیت توسط مردم برای مردم» به مولودی خوشنام با نام «حشدالشعبی» منجر شد. در این میان نقش مرجعیت شیعی و آگاهی ایشان به زمان مناسب اعلام «وجوب جهاد کفایی» بسیار تعیین‌کننده بود. در همین زمینه، سید عمار حکیم، رهبر مجلس اعلای اسلامی عراق اظهار می‌دارد: «آیت‌الله سیستانی تأثیر گسترده‌ای را در گرد هم آوردن جوانان بر اساس عقاید و آرمان‌های آن‌ها در دفاع از دین، مقدسات و مذهبشان داشته است و همین انگیزه‌ها به این نیروهای مردمی، توانی اعطا کرده که فراتر از نیروی تسلیحات در میدان جنگ است. این تسلیحات نیستند که در جنگ تعیین‌کننده هستند، چنان که ما شاهد آن هستیم که آمریکا، پیشرفته‌ترین تسلیحات جهان را در اختیار دارد ولی نمی‌تواند در جنگ‌های مهمی مثل افغانستان، عراق و دیگر مناطقی که در آن‌ها نقش داشته و دارد، پیروز شود.

این امر بیانگر آن است که ابعاد معنوی و روحی و انگیزه‌های اعتقادی، پایه و اساس پیروزی در جنگ‌هاست که این امر در نیروهای مردمی به شکل آشکاری قابل لمس است و به همین دلیل آن‌ها با دلیری در مقابل داعش می‌جنگند. [از این رو] نیروهای مردمی توانستند موازنه قوا را در عراق تغییر دهند. [به‌هرحال] عراق امروز با مشکلات بسیار زیادی مواجه است که یکی از مهم‌ترین این مشکلات، مسئله نیروهای امنیتی این کشور است. یکی از نقاط قوت عرصه امنیت عراق، وجود حشدالشعبی و حضور قهرمانانه آن‌ها در مسیر جهاد در راه خداست» (تراز نیوز، ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۵).

الگوی بسیج‌محوری در ساختار حشدالشعبی

حشدالشعبی یا «بسیج مردمی عراق»، به نیروهایی اطلاق می‌شود که در کنار ارتش با هدف

مبارزه علیه داعش سازمان‌دهی شده‌اند. این نیروها به‌طور عمده از حدود ۴۰ گروه مختلف تشکیل شده‌اند که البته طیف‌های سنی، مسیحی و ایزدی نیز در آن حضور دارند. روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ م، شیخ مهدی الکرملایی، نماینده آیت‌الله سیستانی در خطبه‌های نماز جمعه حرم امام حسین^(ع) در کربلای معلی، از سوی این مرجع عالی‌قدر، جهاد را واجب کفایی اعلام نمود و گفت: «هرکه می‌تواند سلاح به دست گیرد و هرکه توانایی مقابله با تروریست‌ها را دارد، برای مقابله با آن‌ها داوطلب شود، زیرا دفاع از عراق، وظیفه ملی است».

بنابراین حشدالشعبی پس از سقوط موصل توسط داعش در خرداد ۱۳۹۳ در پاسخ به فتوای مرجعیت تشکیل گردید. برخی از مقامات و مسئولان عراقی، این نیروها را «تداوم بسیج در ایران» توصیف کرده‌اند و برخی دیگر بر بهره‌گیری از الگوی بسیج در شکل‌گیری و گسترش آن تأکید دارند. در همین زمینه عقیل حسینی، از اعضای ارشد حشدالشعبی، ضمن اشاره به اینکه، حشدالشعبی ادامه بسیج است، اظهار می‌دارد که «بسیج عراق با تجربه بسیج ایران تشکیل شده است». نوری مالکی، رئیس دولت قانون و نخست‌وزیر سابق عراق نیز تصریح کرده است که در ساختار بسیج عراق از بسیج ایران الگو گرفته‌ایم (<http://fa.wikipedia.org/wiki>, June 2014).

تشکیل حشدالشعبی را به ضرس قاطع می‌توان با تشکیل ساختاری مشابه بسیج ۲۰ میلیونی ایران همسان فرض کرد که به‌عنوان یک فرصت بی‌نظیر برآمده از تهدیدات امنیتی پس از ۲۰۱۴ م در عراق به شمار می‌رود.

در ماه مارس ۲۰۱۵ میلادی (فروردین ۱۳۹۵) در بغداد، فرماندهان حشدالشعبی اهداف پنج‌گانه این ساختار نوین را به شرح ذیل اعلام کردند:

۱. نبرد با داعش و بیرون راندن آن از خاک عراق

۲. حفاظت از کشور

۳. حفاظت از اماکن مقدس

۴. آزادی مردم عراق از یوغ تروریسم

۵. کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند.

درواقع پیاده‌سازی «الگوی امنیتی مردم‌پایه» در عراق، حاکی از شکل‌گیری «قدرت دفاعی نوپایی» است که می‌تواند به سایر اضلاع محور مقاومت تسری یابد. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، به‌رغم تکرر زیاد نیروهای وابسته به حشدالشعبی، آن‌ها داخل یک چهارچوب واحد بر اساس فتوای مرجعیت گرد آمده‌اند و همین تبعیت و تقید دینی - مذهبی نقطه قوت اصلی این تشکل است.

ساختار حشدالشعبی

بر اساس قانون مصوب پارلمان عراق در پاییز ۱۳۹۵ ه.ش، حشدالشعبی تشکلی است که تحت نظارت نخست‌وزیر عراق، به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح قرار دارد که در حال حاضر، هماهنگی‌های آن را فالح فیاض^۱، از مسئولان امنیتی عراق و فرماندهان میدانی ساختار را «ابومهدی مهندس» و «هادی عامری» بر عهده دارند.

در حال حاضر حدود ۴۰ گروه و جریان کوچک و بزرگ در حشدالشعبی حضور فعال و جدی دارند و در حال مبارزه با تروریسم سلفی - تکفیری در عراق هستند. به‌طور عمده ساختار و بدنه نظامی حشدالشعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دهند، اما بعدها برخی عشایر سنی عراق از استان صلاح‌الدین، نینوی و الانبار و نیز کردهای فیلی و مسیحیان عراقی^۲ نیز به آن ملحق شدند^۳ (<http://fa.wikipedia.org/wiki. June 2014>).

علاوه بر گروه‌های شیعه عرب، شش گروه شبه‌نظامی دیگر نیز در ساختار «حشدالشعبی» وجود دارند که با دیگر گروه‌ها ارتباط عمیقی ندارند. این تعداد دارای استعداد حدود ۳۷۵۰ نفر از

۱. مشاور امنیت ملی دولت عراق و رئیس هیئت حشدالشعبی.

۲. دبیر کل جنبش بابلون یا نیروهای مقاومت مسیحی عراق بر عهده ریان الکلدانی است و کردهای فیلی اغلب با جریان‌های شیعی در حشدالشعبی همراهی دارند.

۳. برخی منابع دیگر، نظیر پایگاه الکترونیکی الوقت، به‌صورت دقیق‌تر، حشدالشعبی را متشکل از ۴۲ گروه مسلح ثبت‌شده ارزیابی کرده است که دارای حدود ۱۱۸ هزار رزمنده بوده که ۶۰ هزار نفر آن‌ها در حال حاضر در جنگ با داعش به سر می‌برند (الوقت، ۵ آذر ۱۳۹۴).

نیروهای شیعه ترکمان اطراف کرکوک هستند که از مناطق «طوز خورماتو»، «داقوق»، «بشیر» و «آمرلی» به «حشدالشعبی» پیوسته‌اند و فرماندهی آنان را نیز افرادی از میان خود ترکمن‌ها بر عهده دارند. استثناء دوم به غیر از ترکمان‌ها، قبایل عرب سنی هستند که در کنار حشدالشعبی با داعش نبرد می‌کنند و اطلاع دقیقی نیز از استعداد آنان وجود ندارد. چنانچه برآورد می‌شود بین چهار تا هفت هزار نفر از نیروهای قبیله‌ای سنی در جنگ با داعش، نیروهای حشدالشعبی را همراهی می‌کنند. به‌عنوان مثال گفته می‌شود در نبرد تکریت سه هزار نفر از نیروهای عملیات‌کننده در البواصیل و العلم، از قبایل سنی بوده‌اند. این در حالی است که آمار دقیقی از استعداد خود نیروهای «حشدالشعبی» در این عملیات نیز وجود ندارد و ارقامی بین ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر در مورد آن مطرح است که اختلاف آن معادل دو تیپ رزمی است. با این وصف باید گفت معروف‌ترین قبایل سنی همراه «حشدالشعبی» عبارت‌اند از: نُه قبیله الجبوری، حمدانی، لهیب، کویش، عیساوی، حبش، العبیدی، الشمر، الخزرج از تکریت، العزی از دیالی و ۱۰ قبیله الجوریفه، البونمر، البومهد، البوشهب، ابوریشه، ابوذیاب، البوفرال، البوعیثه، البوعساف و البوفهد در کنار عشیره‌های کوچک دیگر گروه‌های مسلح سنی هستند که «حشدالشعبی» را در نبرد با داعش یاری می‌دهند. همچنین گروه‌های مرجع شیعه «حشدالشعبی» که سایر گروه‌های کوچک‌تر با آنان هم‌پیمان هستند؛ شامل سازمان بدر، گردان‌های حزب‌الله عراق، عصائب اهل الحق، سرایا السلام و سپاه صلح هستند که آمار دقیقی از استعداد نیروهای آنان وجود ندارد و گفته می‌شود که بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر را تحت فرماندهی خود دارند. این چهار گروه مرجع، در رده سازمان‌هایی قرار دارند که پیش از صدور فتوای آیت‌الله سیستانی در عراق دارای ساختار بودند اما برخی از آنان نظیر سازمان بدر در چهارچوب امور سیاسی به فعالیت می‌پرداختند.

البته محدوده فعالیت گروه‌ها، وابسته به استعداد نیروی انسانی آنها نیست. به‌عنوان مثال گردان‌های سیدالشهدا و گردان‌های امام علی در استان‌های مختلف عملیات می‌کنند. این در حالی است که سازمان بدر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های عضو «حشدالشعبی»، حوزه عملیات خود را به شمال بغداد محدود کرده است و سپاه صلح در کربلا و نجف حضور قوی‌تری دارند. «عصائب اهل الحق» علاوه بر حضور در این شهرها در کنار گردان‌های

حزب‌الله عراق در بصره و المثنی نیز فعال است. این نیروها شامل ترکیبی از عرب‌های سنی، مسیحی‌ها، ایزدی‌ها و حتی کردهای فیلی هستند که به‌رغم ایجاد برخی ناهماهنگی‌ها باعث ایجاد قدرت واکنش سریع در «حشدالشعبی» می‌شود.^۱

علاوه بر چهار گروه مرجع شیعه، به‌عنوان بزرگ‌ترین اعضاء «حشدالشعبی»، ۳۸ گروه دیگر نیز به‌عنوان اعضای حشدالشعبی وجود دارند. این در حالی است که استعداد کل نیروهای فعال و آماده به رزم حشدالشعبی بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر است. معین الکاظمی، یکی از فرماندهان سابق بدر، روز ۱۸ می ۲۰۱۵ و بعد از مطالبه «حیدر العبادی» برای مداخله «حشدالشعبی» در الانبار گفته بود که این ساختار قادر به جمع‌آوری ۱۰۰ هزار نیرو برای شرکت در عملیات پاکسازی این استان است؛ اما برخی گزارش‌های دیگر، استعداد هسته اصلی این ساختار که شامل نیروهای باتجربه است را ۲۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند که اسامی مهم‌ترین آن‌ها به شرح مندرج در جدول ذیل است:

جدول شماره ۱: فهرست برخی گروه‌های عضو در حشدالشعبی به غیر از چهار گروه مرجع

۱ - سپاه خراسانی	۲ - گردان‌های غضب	۳ - تیپ یوم‌القائم
۴ - گردان‌های سیدالشهدا	۵ - گردان‌های دفاع مقدس	۶ - حزب‌الله السائرون
۷ - گردان‌های امام علی (ع)	۸ - گردان‌های روح‌الله	۹ - تیپ منتظر
۱۰ - جنبش نجیاء	۱۱ - گردان‌های آزادگان عراق	۱۲ - تیپ یوم‌الموعود
۱۳ - حزب‌الله؛ مجاهدین در عراق	۱۴ - گردان‌های جریان ناجی	۱۵ - تیپ ابوفاضل
۱۶ - گردان‌های شهید الاول	۱۷ - تیپ مبارزان عباس	۱۸ - سپاه وعده صادق
۱۹ - سپاه عاشورا	۲۰ - تیپ علی‌اکبر	۲۱ - گردان‌های امام حسین (ع)
۲۲ - گردان‌های انصار العقیده	۲۳ - تیپ مرتضی‌الکرار	۲۴ - گردان‌های امام غائب
۲۵ - سپاه جهاد	۲۶ - گردان‌های انصار الحججه	۲۷ - قوای شهید صدر

* توضیحات موجود بر اساس دعوای خود گروه‌هاست (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۴ - ۴۰ با تلخیص و تصرف)

توضیحات جدول:

۱. این گروه شاخه نظامی حزب الطلیعه الاسلامی است.

۱. با وجود حضور گروه‌های قومی و مذهبی دیگر در «حشدالشعبی»، بیشتر نیروهای کرد و سنی ترجیح می‌دهند نام آن را با عنوان «حشد الشیعه» صدا بزنند.

۲. گردان‌های غضب توسط الحاج عبدالکریم العنزی دبیر کل سازمان داخلی حزب الدعوه تأسیس شد.
۳. لواء یوم القائم به کتائب الموت الاستشهادی معروف است.
۴. این گروه از گردان‌های حزب‌الله عراق در بصره منشعب شده و اساساً برای جهاد در سوریه شکل گرفته است. گردان‌های سیدالشهدا نیز در زمره گروه‌های شیعه تابع ولایت فقیه است.
۵. گردان‌های دفاع مقدس توسط ابو اسدالله العبودی تأسیس شده که تحت حمایت نوری المالکی قرار دارد.
۶. حزب‌الله السائرون گروه دیگری است که همسو با حزب‌الله لبنان بوده و رحمن الجزایری دبیر کل آن است.
۷. کتائب امام علی^(ع) توسط حاج شبل ازیدی بنیان گذاشته شده که دارای رابطه نزدیکی با ابومهدی مهندس است.
۸. الشیخ أبوطالب المیاحی مؤسس کتائب روح‌الله است و خود را تابع ولایت فقیه می‌داند.
۹. تیپ منتظر به جندالمرجعه هم مشهور است و توسط سید داغر الموسوی بنیان گذاشته شده که مشاور جلال طالبانی بوده و نزدیک به مجلس اعلا است.
۱۰. شیخ اکرم الکعبی، مؤسس حرکه النجباء است که پیش از این در جیش المهدی بوده و پس از آن به عصائب اهل الحق پیوسته است.
۱۱. کتائب الاحرار توسط شیخ عباس المالکی تأسیس شده و با کتائب روح‌الله همکاری نزدیک دارد.
۱۲. تیپ یوم‌الموعود شاخه جیش المهدی محسوب می‌شود که فعالیت دوباره خود را بعد از اشغال تکریت آغاز کرده است.
۱۳. حزب‌الله المجاهدین للعراق توسط عباس المحمداوی تأسیس شده است.
۱۴. کتائب تیار الناجی توسط عدنان الشمیری سازمان‌دهی شده او پیش از این عضو

جیش‌المهدی بوده و از سوی ائتلاف قانون در پارلمان نیز نماینده بوده است.

۱۵. این گروه در مسجد العباس کربلا اعلام وجود کرده و گفته می‌شود نزدیک به تیپ ابوالفضل العباس است.

۱۶. مؤسس این گروه واثق الفردوسی است.

۱۷. فرقه العباس القتالیه: ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی برای حفاظت از عتبات مقدسه در کربلا شکل گرفت.

۱۸. فیلق الوعد الصادق توسط الشیخ محمد حمزه التمیمی تشکیل شده که دبیر کل حرکه المستفدین الاسلامیه است.

۱۹. سرایا العاشورا، گروهی است که گفته می‌شود توسط علی الموسوی، رهبری می‌شود.

۲۰. لواء علی الاکبر: روز سوم ژانویه ۲۰۱۵ میلادی بر اساس فتوای آیت‌الله سیستانی به‌طور مستقیم از سوی عتبه حسینی شکل گرفت.

۲۱. این گروه شاخه نظامی حرکه الرساله الاسلامیه است که از ولایت فقیه پیروی می‌کند.

۲۲. انصارالعقیده توسط شیخ جلال الدین صغیر عضو مجلس اعلای اسلامی عراق تأسیس شده و با سپاه عاشورا همکاری نزدیک دارد.

۲۳. لواء المرتضی وابسته به عتبه علوی در نجف است.

۲۴. از انشعابات گردان‌های حزب‌الله عراق است.

۲۵. سپاه جهاد شاخه نظامی حرکه الجهاد و البنا است که توسط حسن الساری، عضو پارلمان از فهرست مواطن شکل گرفته است.

۲۶. این گروه توسط شیخ محمد الغنانی به‌عنوان شاخه نظامی حزب‌الدعوه تأسیس شده است.

۲۷. قواه الشهید صدر گروهی است که گفته می‌شود توسط حزب‌الدعوه راه‌اندازی شده است.

نقش مرجعیت و حوزه علمیه نجف در شکل‌گیری حشدالشعبی

اگرچه آیت‌الله سیستانی به‌عنوان مرجع عالی‌قدر شیعیان در عراق هیچ منصب حکومتی‌ای ندارد اما نمی‌توان ادعا کرد که وی به‌طورکلی از سیاست کنار کشیده است و هیچ کاری به امور سیاسی ندارد. البته این تصور که ایشان فراتر از حاکمیت است یا حاکمیت را رها کرده است نیز صدق نمی‌کند. میانجی‌گری ایشان در درگیری میان اشغالگران آمریکایی با جریان صدر در سال ۲۰۰۴ میلادی، اعلام فتوای دفاع در مقابل افراط‌گرایان و تروریست‌ها در عراق در سال‌های پس از ۲۰۱۴ میلادی و تلاش برای تدوین قوانین بر مبنای اصول اسلام و عدم مغایرت قوانین با اصول اسلامی از مصادیقی است که این نکته مهم را تأیید می‌کند.

این مسئله که آیت‌الله سیستانی از امور سیاسی کنار کشیده و هیچ‌گونه دخالتی در این امور نداشته است، به نظر تحلیلی دقیق و کارشناسانه نخواهد بود و دخالت‌ها و مواضع سیاسی ایشان پس از سقوط صدام، حاکی از این امر است. آنچه مسلم است آنکه مرجعیت شیعی عراق و به‌ویژه آیت‌الله سیستانی، نقشی مهم و تاریخی را در تکوین حاکمیت فعلی و مشارکت مردم در روند سیاسی ایفا نمودند. به همین سان، ایشان به‌مثابه «سوپاپ اطمینان» و مدافع حقوق و منافع ملت عراق، پیوسته خواستار احقاق حقوق مشروع ملت بوده است.

مسلم است که پیش‌تر مرجعیت نقش بسیار بزرگی را در عدم سوق‌یابی کامل حکومت نوین شکل‌گرفته در عراق پس از سقوط صدام به‌سوی مبانی سکولاریسم و لیبرالیسم غربی ایفا کرد. همچنین، با قدرت، مردم را به صحنه سیاسی آورد و مقدمات مشارکت همگانی را با قاعده «هر عراقی، یک رأی» فراهم کرد؛ به‌گونه‌ای که نقشه‌های آمریکایی‌ها را برای اداره عراق، نقش بر آب کرد (افشون، ۱۳۹۴: ۵).

در جریان تشکیل حشدالشعبی، نیز صدور فتوای جهاد کفایی از سوی مرجعیت، علاوه بر اینکه، عظمت را به حوزه نجف اشرف بازگرداند، سبب منزلت بخشیدن به علما و مراجع و اعطای جایگاه فرماندهی جهادی و میدانی ملت عراق در مواقع بحرانی شد. این موضوع به حدی بدیهی است که از این پس، علما و مراجع طراز اول عراق، نمی‌توانند از مسئولیت و نقش عظیم خود در موارد تهدید کشور، شانه خالی کنند.

به‌هرحال نقش مستقیم مرجعیت در ایجاد بسیج مردمی علیه تهدید سلفی - تکفیری، آغاز مرحله جدیدی در هدایت و رهبری جامعه است که به آن وسیله، مرجعیت می‌تواند با ابزار مستقیم مسائل مهم جامعه را با کمک مردم حل و فصل نماید.

فتوای آیت‌الله سیستانی، در واقع تمام فواصل جغرافیایی و اجتماعی مردم از تمام قشرها را از میان برد و تمام مسلمانان و حتی پیروان سایر ادیان را در مقابل مسئولیت عظیم خود در مواجهه با تهدیدات قرار داد، به‌گونه‌ای که متفق القول جنگ علیه «داعش» را رقم زدند و افکار عمومی جهانی را به این درک رساندند که عملکرد «داعش» مغایر با عملکرد مسلمانان است و داعشی‌ها را سربازان و نیروهای استکبار، استعمار و استبداد معرفی کردند.

درواقع فتوای مرجعیت نشان داد که به همه ملت عراق، نگاه یکسانی دارند و هیچ تفاوتی میان طوایف و بافت‌های آن نمی‌گذارند و فارغ از مسائل قومی، نژادی و مذهبی و در جهت مصالح ملی عراق حرکت می‌کنند. مرجعیت در عراق بار دیگر همانند سال‌های دهه ۱۹۲۰ م (که مبارزه با استعمار و جبهه همت مرجعیت آن زمان بود) نشان داد که «جدایی دین از سیاست» امکان‌پذیر نیست (عدنان عزیز، ۲۰۱۶: ۶۸).

با توجه به این اوصاف، جایگاه آیت‌الله سیستانی در جامعه ناشی از چند عامل مشخص است که عبارت‌اند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق، به رسمیت شناخته شدن اعلامیت فقهی آیت‌الله سیستانی و موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه ایشان در روند تحولات این کشور، مواضع اسلامی و مردم‌سالارانه ایشان که با پشتیبانی و رضایت نسبی تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف طی سال‌های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۳ میلادی همراه شد و ایشان را به الگویی بی‌بدیل تبدیل ساخت و همچنین اشغالگران را وادار ساخت تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی، پیشنهادهای ایشان را دخیل نمایند (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۲).

قواعد و قوانین حاکم بر حشدالشعبی

هر نهضتی می‌تواند ضمن برقراری ارتباط با جنبش‌ها، نهضت‌ها و جریان‌های مذهبی موجود، در راستای همگرایی با آن‌ها گام بردارد و از مجموع آن‌ها یک جبهه به وجود آورد. در این

فرایند، جبهه می‌تواند به قدرتی تبدیل شود که از منافع و اهداف ارزشی خود در سطح منطقه صیانت کند. برای مثال، محور مقاومت که در منطقه خاورمیانه شکل گرفته، واکنشی به تهدیدهای مشترک است و در واقع برای مقابله با دشمن مشترک شکل گرفته است.

انسان‌ها به‌طور ذاتی دوستدار آزادی، عدالت، حرمت و کرامت هستند و هر عاملی که به این ارزش‌ها خدشه وارد کند، با واکنش و خیزش فطری مواجه خواهد شد. در این خصوص اسلام برای چگونه رفتار کردن با ملت‌ها و دولت‌های دیگر اصولی وضع کرده که از قرآن و سنت اخذ شده است. این اصول که همان سیاست خارجی اسلام هستند، مفاهیمی همچون ظلم‌ستیزی، نفی سبیل، عدم سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، وفای به عهد و پیمان، حفظ عزت و کرامت، دعوت و جهاد را در برمی‌گیرند. از متن این اصول می‌توان مبانی اندیشه و رفتار حشدالشعبی را در چهارچوب دیپلماسی نهضتی استخراج کرد:^۱

الف) اصل ظلم‌ستیزی و نفی سبیل: دستور اسلام مبتنی بر مقابله با ظلم از یک‌سو منطقی و از سوی دیگر استراتژیک است. منطقی به آن علت است که انسان نباید نسبت به ظلم بی‌اعتنا باشد؛ در غیر این صورت انسانیت مورد شک و تردید خواهد بود؛ زیرا اساساً موجود بی‌اعتنا، انسان نیست. بر این اساس حتی در شرایطی که قدرت مبارزه و مقابله با ظلم و ظالم وجود ندارد، نباید به آن بی‌اعتنا بود؛ بلکه ضروری است در حد توان علیه آن اقدام کرد.^۲ علاوه بر این ظلم‌ستیزی و نفی سبیل از آن رو استراتژیک قلمداد می‌شود که مقابله با ظلم به هر نحوی می‌تواند مانع گسترش آن در سطح وسیع‌تر شود. این امر مسلمانان و به‌خصوص شیعیان را که بر اصل نفی سبیل^۳ به معنای پذیرفتن استکبار و سلطه کافران تأکید دارند، بر

۱. این قسمت با تلخیص و تصرف از منبع ذیل اخذ شده است: شعب بهمن و علی کاظم خانلو، «دیپلماسی بر دیپلماسی نهضتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۶۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۷۸ - ۷۵.

۲. بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) «مماشات با ظلم و ظالم در مکتب ائمه^(ع) تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست و مبارزه به هر شکل ممکن واجب است، زیرا رضایت بر حکومت ظالم به معنای رضایت بر ظلم به مظلومان است» (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۲: ۸۳).

۳. چنان که در قرآن کریم آمده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱).

آن می‌دارد که هرگز سلطه و استکبار کافران را بر خود نپذیرند و در مقابل آن ایستادگی کنند. به این ترتیب ظلم‌ستیزی و عدم پذیرش استکبار و استعمار یکی از ریشه‌های دیپلماسی نهضتی محسوب می‌شود؛ زیرا دیپلماسی نهضتی بر اساس این قاعده که در رفتارهای خود (اعم از رفتار در حوزه شخصی، اجتماعی، سیاسی و...) باید تکلیف را انجام داد، عمل می‌کند و وعده پیروزی مظلوم بر ظالم و حق علیه باطل را پشتوانه خود قرار می‌دهد.

ب) اصل عدالت‌خواهی: یکی دیگر از ارزش‌های موجود در فرهنگ سیاسی مسلمانان و شیعیان که از ریشه‌ها و بنیان‌های دیپلماسی نهضتی محسوب می‌شود، عدالت‌خواهی است. امروزه به دلیل فقدان عدالت و مساوات در وجوه مختلف نظام بین‌الملل، صلح و امنیت رخت بر بسته است. در چنین وضعیتی اسلام به‌عنوان یک مکتب جامع، در مقام تعریف الگوی رفتاری در عرصه خارجی بر اصلی متفاوت تأکید دارد که بنیاد آن را «مساوات حکمی» شکل می‌دهد. منظور از مساوات حکمی جریان یافتن قواعد بین‌المللی برای بازیگران مسلمان و غیرمسلمان به شکل واحد است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱۰). اگرچه دولت‌های اسلامی که به‌عنوان بازیگر و عضو رسمی جامعه بین‌الملل وجود دارند، برای رفع این معضل اقدامات زیادی انجام داده‌اند، اما تاکنون نتیجه مطلوبی نگرفته‌اند؛ زیرا این دولت‌ها در مقابله با بی‌عدالتی‌ها تنها بر اساس منافع ملی خود عمل کرده‌اند؛ درحالی‌که جنبش‌ها و نهضت‌های اصیل اسلامی، حمایت از سایر مسلمانان فراتر از مرزهای ملی خود را نیز مدنظر دارند. این امر در مورد دیپلماسی نهضتی کاملاً مصداق دارد؛ زیرا دیپلماسی نهضتی تلاش دارد خلأ موجود را که موجب بی‌عدالتی علیه مسلمانان شده است، از میان بردارد و مطابق منافع جمعی امت اسلامی در راستای احقاق حقوق مسلمانان عمل کند.

ج) اصل عزت و کرامت: انسان جدا از هرگونه رنگ و زبان، دین و آیینی، دارای عزت و کرامت است. در این بین اسلام تأکید زیادی بر حفظ عزت و کرامت انسانی دارد و مطابق آن، مسلمانان باید در روابط با دیگران مدافع عزت و کرامت خود و سایر انسان‌ها باشند. بر این اساس با توجه به آنکه کمال و سعادت انسان هدف نهایی اسلام است، کرامت انسانی به‌عنوان یکی از ارکان نظریه رویکرد اسلامی به صلح و امنیت، مطرح است؛ به این معنا که نحوه

مناسبات بین‌المللی و الگوهای امنیتی نباید به‌گونه‌ای باشد که عزت و کرامت انسانی به مخاطره افتد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۲۴). از این رو یکی از ارکان و اصول دیپلماسی نهضتی، حفظ و صیانت عزت و کرامت مسلمانان در جوامع خود و همچنین در سطح جهان است.

د) اصل دعوت: دعوت به معنای ترغیب مخاطب به اصول و ارزش‌های مدنظر از طریق اقتناع است. در حکومت پیامبر اکرم (ص) به قصد دعوت به اسلام، سفیرانی به کشورهای حبشه، ایران و روم فرستاده شدند. علاوه بر این، افرادی که آموزه‌های اسلام را بهتر فهمیده بودند، به مناطق همجوار اعزام می‌شدند تا مردم را به اسلام ترغیب کنند. دعوت ملت‌ها و جوامع دیگر به رو آوردن و پذیرش ارزش‌ها و تعالیم اسلام، یکی از وظایفی است که مسلمانان باید انجام دهند. بنابراین یکی از اصول دیپلماسی نهضتی، اصل دعوت به اسلام است.

ه) اصل جهاد: اگرچه معمولاً مفهوم جهاد به منزله مبارزه فیزیکی تلقی می‌شود، اما دارای ابعاد مختلفی است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «جهاد بر چهار پایه استوار است: امر به معروف، نهی از منکر، راست‌گویی در هر حال و دشمنی با فاسقان» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱). در واقع جهاد اسلامی، وسعتی به اندازه تمام نیت خوب و انسانی دارد که از تلاش برای ابراز ناراحتی از یک عمل زشت و ناحق تا حضور در جبهه جنگ علیه ظالمان و ستمگران را شامل می‌شود. بر این اساس دیپلماسی نهضتی، هدف متعالی جهاد را در خود مستتر دارد.



نمودار شماره ۱: اصول حاکم بر فعالیت‌های حشدالشعبی

دستاوردهای حشدالشعبی

بسیج مردمی عراق توانست با پیروزی‌های خود، نقشه‌های شوم دشمن برای تقسیم کشور را از بین ببرد و امروز به بازوی قدرتمند ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی تبدیل شده است. با توجه به تغییر یافتن حشدالشعبی به بازیگری کلیدی در عرصه نظامی و امنیتی عراق در طول چند سال اخیر، تبلیغ و حفظ دستاورد این نیروها، از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در این خصوص می‌توان به برخی عوامل و فاکتورهایی که در سهولت کسب دستاوردهای حشدالشعبی تأثیر به‌سزایی داشته است، اشاره کرد. از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: قدرت و انگیزه بالا برای مقابله با داعش و ایجاد امنیت در مقایسه با سایر نیروهای حاضر در صحنه نظامی - امنیتی عراق؛ تداوم احتمالی نامنی و نقش گروه‌های منحرف شیعی و افراطی سنی در عراق و در نتیجه نیاز طولانی‌مدت به حشدالشعبی؛ کسب تجارب و خبرگی تدریجی حشدالشعبی؛ پایه‌ها و حمایت‌های مردمی و عقیدتی از حشدالشعبی؛ پیوندها و تعاملات سیاسی حشدالشعبی با سایر نیروهای سیاسی عراق و پیوند حشدالشعبی با شبکه نیروهای مقاومت اسلامی در منطقه.

با توجه به اوصاف یادشده، مسلم است که حشدالشعبی با تمرکز بر «امنیت مردم‌پایه» دستاوردهای بسیاری در مقایسه با سایر نیروهای به‌اصطلاح «در حال مبارزه با تروریسم» حاضر در عراق کسب کرده است. این دستاوردها، مشابهت زیادی با پیروزی‌های سایر جریان‌ها و گروه‌های مقاومت یا همسو با مقاومت در راستای مبارزه با تروریسم، صهیونیسم و استعمار داشته است. از این رو، می‌توان عملکرد حشدالشعبی را با عملکرد حزب‌الله در لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین اشغالی و انصارالله در یمن در یک چهارچوب یادآوری کرد.

همچنین از آنجایی که نقش، اهمیت و جایگاه نهضت‌های آزادی‌بخش و به‌ویژه اسلامی در راستای عمق‌بخشی به گفتمان مقاومت بر کسی پوشیده نیست، بنابراین در چهارچوب «دیپلماسی نهضتی»، فعالیت‌ها و دستاوردهای حشدالشعبی قابل بررسی و ارزیابی است. بر اساس مبانی «دیپلماسی نهضتی»، قواعد آن نیز بر فعالیت‌های حشدالشعبی در عراق حکم‌فرما بوده است.

در اینجا نگاهی کوتاه به برخی پیروزی‌ها و دستاوردهای حشدالشعبی، موضوع را بیش‌ازپیش روشن خواهد نمود:

بر اساس اعلام هیئت حشدالشعبی، این سازمان نوپا که بنیان آن را «بسیج نیروهای مردمی» تشکیل می‌دهد، از بدو تشکیل تا آذر ۱۳۹۴، طی ۵۵۰ روز نبرد مستمر در دو عملیات بزرگ لبیک یا رسول‌الله^(ص) ۱ و ۲، ۱۹ شهر و ۵۱ روستا به مساحت ۱۷۵۰۰ کیلومتر مربع را از کنترل داعش خارج کرد. این میزان، معادل یک‌سوم اراضی اشغال‌شده توسط داعش در عراق بود. محدوده یادشده، شامل دو حوزه نفتی عجیل و غلاس نیز بود که داعش معادل بیست هزار بشکه نفت از پنجاه هزار بشکه نفت استحصال روزانه خود را از آن استخراج می‌کرد و با احتساب قیمت فروش متغیر بین ۱۰ تا ۲۵ دلار برای هر بشکه، ماهانه بین ۶ تا ۲۱ میلیون دلار درآمد کسب می‌کرد. بنابراین حشدالشعبی، در این مدت موفق به قطع تقریباً نیمی از درآمد نفتی داعش شده بود. حشدالشعبی همچنین تا اسفند ۱۳۹۴، طی عملیات امام هادی^(ع) نیز مساحتی معادل پنج هزار کیلومتر مربع از اراضی صلاح‌الدین و ثرثار را از سیطره داعش خارج کرد که ۶۴ منطقه راهبردی شامل سه انبار بزرگ مهمات ارتش عراق در محدوده آن قرار داشت؛ در نتیجه، می‌توان گفت که حشدالشعبی توانست راه ارتباطی داعش در بین دو استان نینوا و صلاح‌الدین را قطع کند (آزاد، ۱۳۹۵: ۸۴).

همچنین در جریان عملیات‌های بزرگ جرف‌الصحرا [جرف‌النصر]، آمرلی، فلوجه و آزادسازی موصل، حشدالشعبی، نقش بی‌بدیلی را در امنیت‌آفرینی برای جامعه و حاکمیت عراق ایفا کرده است. همین دستاوردهای عظیم، سبب شده تا برخی بازیگران دخیل عراق (اعم از داخلی و خارجی)، عملکرد و فعالیت‌های این «جریان مردم‌پایه» را به زیان خود ارزیابی کنند^۱ که در ادامه در چهارچوب چالش‌های حشدالشعبی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. برخی از رسانه‌های عراقی همسو با حشدالشعبی، سیاستمداران و شخصیت‌های سیاسی مخالف حشدالشعبی را «داعشی‌های سیاسی» می‌نامند. در همین راستا «شیخ اکرم الکعبی»، دبیر کل جنبش نجبا می‌گوید: «تصویب قانون حشدالشعبی و الحاق آن به بدنه نظامی کشور فقط یک دسته از عراقی‌ها را ناراحت کرد و آن هم داعشیان سیاسی که می‌خواستند اوامر استکبار را در کشور اجرا نمایند».

البته دستاوردهای حشدالشعبی تنها به امور نظامی - امنیتی محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند در امور فرهنگی - اجتماعی، نوعی وحدت کلمه را میان طیف‌های مختلف جامعه عراق در راستای پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز ایجاد نماید که سیاست‌گذاری سیاستمداران و دولتمردان عراقی در این زمینه، نیاز و ضرورتی انکارناپذیر است. در اینجا به جزئیات بیشتری از دستاوردهای حشد شعبی خواهیم پرداخت و مناطقی را که در آزادسازی آن، نقش اصلی بر عهده حشدالشعبی بوده است را تشریح خواهیم کرد:

۱. منطقه آمرلی

منطقه آمرلی از توابع استان صلاح‌الدین از نظر جغرافیایی از اهمیت بالایی برخوردار است. این منطقه از طرف شرق به جلولاء و از طرف جنوب به العظیم و از شمال به شهرستان طوزخورماتو و از غرب به شهر تکریت مرتبط است. بیشتر ساکنان این منطقه از ترکمن شیعه هستند و به زبان ترکمنی صحبت می‌کنند. شهر شیعه‌نشین آمرلی محل سکونت ۱۸ هزار نفر از اقلیت‌های ترکمن عراق است که به مدت ۷۰ روز در حصر نیروهای داعش بود (<http://www.mashreghnews.ir>). اهالی شهر محاصره‌شده آمرلی که در ۱۶۰ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد دو ماه در برابر نیروهای مسلح داعش مقاومت کرده و اجازه ندادند این شهر به اشغال گروه‌های مسلح درآید، در شرایطی که در این مدت آب و برق شهر قطع بود اما محاصره‌کنندگان به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دادند غذا وارد شهر شود. در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۹۳، ارتش عراق با همکاری حشدالشعبی و نیروی نظامی کرد عملیات مشترکی را علیه نیروهای دولت اسلامی (داعش) آغاز کردند که به شکست حصر این شهر منجر شد (<http://almadapress.com/ar/news>) البته بنا به اذعان برخی فرماندهان گروه‌های حشدالشعبی، پیروزی در آمرلی بدون حمایت ایران ناممکن بود (<http://www.reuters.com/article/us-iraq>).

۲. جرف الصخر

جرف الصخر یک منطقه مسکونی که در قسمت شمالی استان بابل واقع شده است و بیشتر ساکنان این منطقه از اهل سنت عراق تشکیل شده است. این منطقه مهم و استراتژیک

استان‌های بابل و الانبار و بغداد را به هم مرتبط می‌سازد. این منطقه دارای مساحتی قریب به ۵۰ کیلومتر مربع و دارای جمعیتی بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر است. اهمیت این منطقه زمانی افزایش پیدا می‌کند که بدانیم نیروهای نظامی آمریکا که در سال ۲۰۰۳ میلادی کشور عراق را اشغال کردند به این منطقه وارد نشدند. کم‌کم و با قدرت گرفتن شیعیان در حکومت مرکزی، این منطقه به دلیل ارتباط جغرافیایی با استان سنی‌نشین الانبار با هدف ناامن کردن کشور عراق و کاهش قدرت حکومت مرکزی، به پایگاه تروریست‌ها تبدیل شد. در آبان ماه سال ۱۳۹۳ این منطقه به صورت کامل توسط نیروهای حشدالشعبی و نیروهای نظامی عراق پاک‌سازی شد و نام آن به «جرف النصر» تغییر یافت، در ادامه این عملیات نیز مناطق راهبردی الاسکندریه و المسیب آزاد شدند. پس از امرلی این دومین موفقیت نظامی بود که ناشی از هماهنگی میان همه یگان‌های ارتش عراق، حشدالشعبی، پلیس فدرال، سازمان اطلاعات و نیروی هوایی بوده است. نکته برجسته در این ماجرا این است که یک‌بار دیگر نقش پررنگ حشدالشعبی مشخص شد. نکات قابل توجهی در عملیات جرف الصخر وجود داشت که اهمیت عملیات را چند برابر می‌کرد که در پایین به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

۱. جرف الصخر، دروازه ورود به کربلا، بغداد و به‌طور کلی، تمام استان‌های جنوبی عراق است. این منطقه که فقط ۶۰ کیلومتر با بغداد و ۸۰ کیلومتر با فلوجه فاصله دارد شاهراه ورود تروریست‌ها به بغداد و مناطق شیعه محسوب می‌شد.

۲. جرف الصخر، منطقه مواصلاتی است که بخش‌های شمالی، جنوب شرقی و غربی را به هم وصل می‌کند.

۳. جرف الصخر، منطقه‌ای است سرسبز و جنگلی که امکان انجام عملیات کلاسیک برای ارتش در آن «بسیار» سخت بود اما این عملیات به پیروزی منجر شد.

۴. این منطقه از سوی ارتش عراق و نیروهای مردمی این کشور آزاد می‌شود و غربی‌ها نیز در آن هیچ سهم و نقشی حتی به اندازه شلیک یک گلوله هم نداشتند.

۵. آزادی جرف الصخر تأثیر عمیق خود را بر جبهه مقاومت برای رسیدن به پیروزی‌های دیگر گذاشت.

۶. آزادسازی جرف الصخر به لحاظ امنیتی و نظامی نیز بسیار مورد توجه است. بازپس‌گیری این شهر مهم به معنای حفظ امنیت جنوب عراق و امن شدن خطوط ارتباطی بغداد با استان‌های جنوبی است.

۷. اهمیت پاک‌سازی این منطقه به این دلیل است که جرف الصخر از یک سو به فرودگاه بغداد و از سوی دیگر به فرات میانی و در نهایت به دلیل نزدیکی به کربلای معلی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۸. به دلیل برگزاری سالانه مراسم اربعین و نزدیکی جرف الصخر به کربلا، برقراری امنیت برای عزاداری در ایام یادشده بسیار ضروری به نظر می‌رسید که با پیروزی در این عملیات، امنیت زائران در ایام محرم و اربعین تأمین شد.

۳. پاک‌سازی حومه اطراف بغداد

استان بغداد به‌عنوان پایتخت کشور عراق از اهمیت بالایی برخوردار است. حضور و فعالیت برخی گروه‌های مرتبط با داعش در اطراف این استان باعث نگرانی مردم و مسئولان شده بود. نیروهای حشدالشعبی در استان بغداد نیز با هدف پاک‌سازی این مناطق، عملیات خود را آغاز کردند و پس از مدتی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند و توانستند با عملیات‌های مختلف کمربند امنیتی بغداد را به‌طور کامل ایمن کنند و مناطقی مانند لطیفیه، یوسفیه، محمودیه، ابوغریب، عرب جبور، تاجی، طارمیه، مشاهده، نباعی، اطراف منطقه رضوانیه و سلمان باک را به‌طور کامل پاک‌سازی کنند (<http://www.shia-news.com/fa/news>).

۴. آزادسازی استان دیالی

استان دیالی در شرق کشور عراق و از استان‌های هم‌مرز با کشور جمهوری اسلامی ایران است و همواره از سوی جریان‌های سلفی - تکفیری، از آن به‌مثابه تیری در پهلوی جبهه مقاومت یاد می‌شود. نیروهای تروریستی داعش در استان دیالی بر مناطق سعديه، جلولاء، عظیم، مقدادیه، منصوریه، خالص، بخش‌هایی از بعقوبه، حمزین و همچنین تا نزدیکی مناطق اداری مرزی با استان صلاح‌الدین سیطره کامل داشتند. از زمان ورود داعش

تا بهمن ۱۳۹۴، نیروهای ارتش عراق به کمک نیروهای بسیج مردمی «حشدالشعبی» موفق به پاک‌سازی تمام مناطق ذکرشده شدند. پس از عملیات‌های گسترده در این مناطق، استان دیالی در بهمن ۱۳۹۴ به‌طور کامل از وجود نیروهای تروریستی داعش پاک‌سازی شد (<http://www.shia-news.com/fa/news>).

۵. آزادسازی مناطق استان کرکوک

استان کرکوک یکی از مناطق نفت‌خیز کشور عراق است که چندین قومیت در آن زندگی می‌کنند. گروه تروریستی داعش نتوانست قسمت زیادی از این شهر را اشغال کند. این استان پس از تهاجم داعش تا حد زیادی تحت سیطره نیروهای ارتش عراق، نیروهای حشدالشعبی ترکمن و نیروهای پیشمرگه کُرد قرار گرفت و می‌توان گفت بعضی از مناطق اطراف کرکوک از جمله مناطق و روستاهای مهم حویجه و... تا روزهای آخر «پایان داعش» در اختیار جریان‌های سلفی - تکفیری بود.

۶. آزادسازی استان صلاح‌الدین

گروه تروریستی داعش پس از شکست در مناطق دیالی، ضلوعیه، جرف النصر و امرلی به استان صلاح‌الدین گریختند، این در حالی است که استان صلاح‌الدین، دروازه‌ای برای آزادسازی موصل به حساب می‌آید. استان صلاح‌الدین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود از نظر استراتژیک اهمیت بسیار زیادی دارد، این استان حلقه وصل استان نینوا و موصل با الانبار و کرکوک است و عملیات بزرگی که در استان صلاح‌الدین صورت گرفت، توازن قوا در این مناطق را تغییر داد. همچنین عملیات آزادسازی صلاح‌الدین که در دو مرحله انجام شد محور بغداد، سامرا، تکریت تا منطقه بیجی که بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عراق در آن قرار دارد را به‌طور کامل پاک‌سازی کرد. عملیات پاک‌سازی در استان صلاح‌الدین در چند مرحله انجام شد که در نهایت شهر تکریت و بیجی به‌عنوان مرکزی‌ترین شهرهای صلاح‌الدین آزاد شدند.

چالش‌های حشدالشعبی

نیروهای متبوع حشدالشعبی، با برخی چالش‌ها و موانع نیز در آینده روبه‌رو خواهند بود که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مخالفت و احساس نگرانی برخی گروه‌های سیاسی سنی مانند اکراد و سنی‌ها از حشدالشعبی؛ مخالفت آمریکا و کشورهای عربی با افزایش نقش حشدالشعبی؛ تعارضات ساختاری حشدالشعبی با نیروهای نظامی و امنیتی رسمی عراق؛ مشکلات ساختاری و چنددستگی درونی حشدالشعبی؛ تداوم مشکلات تسلیح و مالی حشدالشعبی؛ ناهمگونی نیروهای حشدالشعبی به لحاظ سطح و میزان کارایی نظامی؛ مبهم بودن وضعیت قانونی و حقوقی حشدالشعبی در عراق .

به عبارت بهتر، عوامل متعددی در راستای تضعیف یا کاهش نقش حشدالشعبی وجود دارند که اهم آن‌ها را می‌توان به‌صورت خلاصه، در موارد ذیل مورد اشاره و دسته‌بندی قرار داد:

الف) ایالات متحده آمریکا و پروژه ضد حزب‌الله‌سازی در عراق

آنچه مسلم است آنکه ایالات متحده آمریکا به‌مثابه مدعی «مبارزه با تروریسم»، همواره در عراق و منطقه غرب آسیا، نقشی دوپهلوی و دوگانه داشته و ضمن تقویت تروریست‌های سلفی - تکفیری، مدعی مبارزه با آن‌ها نیز بوده است. از این رو می‌توان گفت که استراتژی این بازیگر، «استمرار منازعه» معطوف به مدیریت بحران بوده است.

بر این اساس، در خصوص حشدالشعبی، سیاست این کشور در راستای تقابل با «نقش و نفوذ محور مقاومت» قرار گرفته و به‌شدت در پی کنترل، نظارت و محدودسازی نقش حشدالشعبی در عراق است. با این اوصاف، باید گفت که از لحاظ ماهیت و عملکرد، حشدالشعبی به‌مثابه بازوی محور مقاومت در عراق، اساساً یک ساختار متعارض با منافع ایالات متحده به‌شمار می‌آید و طبیعتاً در جایگاه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، نقش آفرینی می‌نماید، از این رو، آمریکایی‌ها آن را دشمن و تهدید فرض می‌کنند و بر این باورند که این تشکل در آینده، منافع و امنیت آمریکا و رژیم صهیونیستی را تهدید می‌نماید.

ایالات متحده آمریکا تاکنون از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به حشدالشعبی در عراق فروگذار نکرده است. به عنوان نمونه در جریان عملیات آزادسازی شهر الرمادی، واشنگتن ارائه کمک به دولت بغداد در نبرد با داعش را به عدم مشارکت حشدالشعبی در این عملیات، منوط کرد. این در حالی است که مواضع حشدالشعبی بارها مورد هجوم جنگنده‌های ارتش آمریکا قرار گرفته است. از همین رو، پرواضح است که آمریکایی‌ها که در واقع، از عوامل اصلی پیدایش و گسترش داعش هستند، از مشروعیت و محبوبیت حشدالشعبی و تصویب قانون به سود آن ناراضی بوده و آن را نوعی شکست برای خود تلقی می‌کنند.

با توجه به شواهد و قرائن موجود، اکنون ایالات متحده آمریکا، سیاست‌های خود را در قبال حشدالشعبی طراحی کرده و درصدد اجرایی نمودن آن است، نتیجه این سیاست‌ها، سوق یافتن کاخ سفید و پنتاگون به سمت برقراری موازنه بین نیروهای سنی، کرد و شیعه و در صورت امکان تغییر موازنه به زیان شیعیان است. همچنین جدایی و انفکاک میان حکومت عراق و محور مقاومت در دستور کار آن‌ها قرار دارد.

در این راستا، علاوه بر طرح سناتور «توربنری» مبنی بر گذاشتن قیودی در اختصاص بودجه نظامی-آموزشی به شیعیان و اختصاص بی‌قید و شرط آن به نیروهای پیشمرگه و عرب سنی، از ۱۷ مرداد ۱۳۹۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۹۵، نیروهای ائتلاف به اصطلاح ضد داعش، ذیل مدیریت فرماندهی مرکزی وزارت دفاع آمریکا در چهار پایگاه مشترک و دو پایگاه ویژه در بغداد، یک پایگاه در اربیل، یک پایگاه در الانبار (الاسد) و اردوگاه‌های تاجی و بسمایا، ۲۰۲۱۵ نفر از نیروهای عراق (عرب سنی و کرد) را آموزش داده بودند و ۳۸۷۲ نفر دیگر را تحت آموزش خود داشتند (آزاد به نقل از: خبرگزاری ایلاف، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵، با تلخیص و تصرف).

به نظر می‌رسد در این راستا مسئولان و نهادهای آمریکایی تلاش خواهند کرد تا ضمن نفوذ در حشدالشعبی و جذب برخی افراد، بر فعالیت و عملکرد این تشکل، به‌طور مستقیم نظارت کرده و نفوذ خود را گسترش دهند.

ب) چالش‌های ساختاری - حقوقی

قانون حشدالشعبی یا به اصطلاح بسیج مردمی به‌رغم اینکه دستاوردی بزرگ به شمار می‌رود لیکن احتمال اینکه در آینده چالش‌هایی را ایجاد نماید، بسیار است. از این‌رو بررسی این دو جنبه به‌صورت هم‌زمان در اینجا ضروری است. بدیهی است که در نگاه اول تصویب این قانون فرصتی بی‌نظیر به شمار می‌رود.

قانون حشدالشعبی با استناد به بند اول از ماده ۶۱ و بند سوم از ماده ۷۳ قانون اساسی عراق در اواسط پاییز ۱۳۹۵ به تصویب پارلمان عراق رسیده و در واقع دستاورد عظیمی برای جامعه عراق به شمار می‌رود. به‌هرحال، مرجعیت شیعی در صدد بود تا در مرحله زمانی پس‌داعش (و به‌ویژه پس از فتح موصل) به شکل حشدالشعبی، صبغه‌ای قانونی نیز ببخشد. دکتر «علی رمضان الوسی»، مدیر مرکز مطالعات جنوب عراق در مصاحبه‌ای به تشریح تأثیرات تصویب قانون عراق در قانونی شدن حشدالشعبی پرداخته و بر این باور است که تروریست‌ها به کمک حشدالشعبی از عراق اخراج خواهند شد.

وی در ادامه می‌گوید: البته تبدیل شدن حشدالشعبی به نهادی قانونی موضوع جدیدی نبوده و از همان زمانی که حشدالشعبی تشکیل شد همواره این موضوع مطرح بود که چگونه آینده افراد و خانواده‌های کسانی که به عضویت این نیروها درمی‌آیند تضمین شود. از سوی دیگر از زمانی که پل برمر، حاکم نظامی آمریکا در عراق، ارتش این کشور را منحل کرد، از آن زمان عراق به دنبال ایجاد نیرویی واقعی در این کشور بود که پس از سال‌ها حشدالشعبی ثابت کرد می‌تواند به‌عنوان یک نیروی واقعی باشد که می‌تواند پیروزی‌هایی را در مقابل داعش به دست آورد و شاهد آن بودیم که حشدالشعبی توانست داعش را در صلاح‌الدین و در الانبار و در تکریت و در آینده در موصل شکست دهد و سرانجام شاهد آن خواهیم بود که تروریست‌ها از عراق به کمک نیروهای حشدالشعبی و به‌طور کلی به دست نیروهای نظامی عراقی اخراج خواهند شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۵).

اما مشکل و چالش عمده اصلی این قانون، به بحث دولتی شدن یا به تعبیر دیگر، تبعیت این نیروها از شخص نخست‌وزیری یا فرماندهی کل نیروهای مسلح برمی‌گردد. به موجب این قانون، همه دستورات در همه زمینه‌ها، به نخست‌وزیر محول شده است. سؤال جدی این

است که اگر نخست‌وزیر در آینده، فردی سکولار یا بعثی بود، تکلیف چه خواهد شد؟ و سؤال دیگر آنکه، مرجعیت که مهم‌ترین نقش را در تشکیل این نیرو داشت، در آینده، چه جایگاهی در این شکل خواهد داشت؟

موضوع مهم‌تر، حق تصمیم‌گیری و جابه‌جایی نیرو است که بایستی با هماهنگی نهادهای نظامی، امنیتی (وزارت دفاع) و تحت اشراف نخست‌وزیر باشد؛ به‌گونه‌ای که نخست‌وزیران بعدی می‌توانند مصوبات نخست‌وزیران قبلی را ملغی نمایند. به‌رغم اینکه در سپتامبر ۲۰۱۵، حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که گروه‌های حشدالشعبی بخشی از نیروهای حکومتی هستند (http://fa.wikipedia.org/wiki. June 2014).

ولی در حال حاضر نیز حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق با «اتخاذ سیاست دوری از محاور»، نسبت به نقش فراسرزمینی نیروهای حشدالشعبی ملاحظات جدی دارد. در همین راستا، وی در کنفرانسی مطبوعاتی در بغداد گفت: «اگر برخی از نیروهای مسلح عراقی در سوریه می‌جنگند، این نشان‌دهنده موضع دولت و سیاست عراق نیست. ما از نیروهای حشدالشعبی می‌خواهیم به قانون، حاکمیت عراق و کشورهای همجوار احترام گذاشته و در امور دیگر کشورها مداخله نکنند. ما نمی‌خواهیم در درگیری‌های منطقه‌ای دیگری غرق شویم بلکه ما در عراق تلاش کردیم تا از درگیری منطقه‌ای و طایفه‌ای دور باشیم و با تمامی کسانی که علیه تروریسم می‌جنگند، همکاری کنیم»^۱ (خبرگزاری ایسنا، ۸ دی‌ماه ۱۳۹۵).

۱. در واقع خطاب این‌گونه اظهارات به برخی شخصیت‌ها و رهبران حشدالشعبی است که برای مبارزه با تروریسم و به‌ویژه داعش خارج از مرزهای عراق، اعلام آمادگی کرده‌اند. در همین زمینه، «ابومهدی المهندس»، نائب رئیس حشدالشعبی عراق که پیش‌تر در خصوص این موضوع اظهاراتی داشته بود، بار دیگر در اظهاراتی تأکید کرد که امیدواریم که نبردها در سوریه قبل از آزادسازی موصل به پایان برسد و گرنه نیاز است که ما به‌عنوان بسیج مردمی عراق وارد سوریه شویم (منبع: خبرگزاری مهر، «ابومهدی المهندس: احتمال حضور حشدالشعبی در سوریه وجود دارد»، سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۵ قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/3867910>).

ج) بازیگران داخلی دخیل (اکراد و اعراب سنی)

اکراد و اعراب سنی به‌ویژه طیف پارتی به رهبری بارزانی و برادران النجیفی (در فهرست الحذباء) و همچنین بعثی‌ها و سکولارهای عراق، در واقع فعالیت و عملکرد حشدالشعبی را به زیان خود ارزیابی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که در رسانه‌های خود، همسو با دولتمردان سعودی و قطری، آن را «حشد شیعی» می‌نامند. بخشی از اهل سنت عراق که سهمی در تشکل حشدالشعبی ندارند و از آنجایی که نمی‌توانند در چهارچوب موازین حقوقی - قانونی نیز خلأ سهم خود را از حشدالشعبی پر نمایند، همواره در جهت ضدیت و چالش‌آفرینی حرکت کرده‌اند. برادران النجیفی در موصول از آن جمله‌اند که در مقابل حشدالشعبی، حشد الوطنی را تأسیس کرده‌اند. اکراد نیز حضور و فعالیت حشدالشعبی را به‌ویژه در مناطقی که بر سر آن میان طیف‌های عمده عراق (اکراد، اهل سنت و شیعیان) اختلاف وجود دارد، مانعی برای رسیدن به اهداف خود ارزیابی می‌کنند و هم در جهت کارشکنی گام‌هایی برداشته‌اند. درگیری‌های آن‌ها در مناطقی نظیر روستاهای بشیر و طوزخورماتو و همچنین مناطقی از کرکوک با حشدالشعبی، مؤید این ادعاست.^۱

د) سایر بازیگران دخیل غیرهمسو

در راستای تخریب و جبهه حشدالشعبی و ناکارآمد نشان دادن آن، دولتمردان سعودی و قطری و برخی از کشورهای عرب همسو با آن‌ها نظیر اردن و امارات متحده عربی نیز علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای و عملیات روانی در جهت کاهش نقش و نفوذ حشدالشعبی، از اظهارات رسانه‌ای و اقدامات عملی، چیزی فروگذار نکرده‌اند.

مشارکت حشدالشعبی در اکثر عملیات‌های سرنوشت‌ساز، نگرانی شدید رسانه‌های سعودی و متحدان آن‌ها را به دنبال داشته است، این رسانه‌ها با تکیه بر طرف‌های همسو با

۱. درگیری‌ها در شهر طوزخورماتو، به کشته و زخمی شدن چندین تن از نیروهای دو طرف انجامید و باعث شد که نیروهای حشدالشعبی و پیشمرگه‌های کُرد با ادوات سنگین خود در مقابل هم صف‌بندی کنند و برای اولین بار تا این حد به یک جنگ تمام‌عیار نزدیک شوند که البته با ورود مستقیم رهبران عراقی و امضای یک توافقنامه آتش‌بس فروکش کرد.

خود در داخل عراق، تخریب وجهه نیروهای داوطلب مردمی و ایجاد رعب و وحشت از این نیروها در میان افکار عمومی به‌ویژه اهل سنت را تشدید کرده‌اند و به دروغ القای می‌کنند که این نیروها طایفه‌ای هستند.

رژیم سعودی که مروج ایدئولوژی وهابیت بوده و به حمایت از تعداد زیادی از گروه‌های تروریستی در سراسر جهان شهره است، طی حدود یک سال گذشته با طرح ادعاهای واهی علیه حشدالشعبی، تمام تلاش خود را به کار بست تا چهره این گروه در نزد افکار عمومی عراق و منطقه را خدشه‌دار کند. تلاش‌های رژیم سعودی علیه حشدالشعبی و دخالت در امور داخلی عراق از طریق «ثامر السبهان»، سفیر این رژیم در بغداد تا جایی پیش رفت که دولت عراق رسماً از ریاض خواست تا سفیر دیگری را جایگزین وی کند؛ بنابراین، در حال حاضر عربستان سعودی از جمله طرف‌های خارجی است که تصویب قانون حشدالشعبی به مذاق آن خوش نیامده است و به همین دلیل، امکان دارد در آینده موضعی را علیه بغداد اتخاذ کند.

اقدامات و اظهارات «ثامر السبهان»، سفیر سعودی در عراق گویای این وضعیت است. وی بارها، حشدالشعبی را نیرویی ایرانی - و نه عراقی - (۱۹) خوانده بود. به دلیل دخالت‌های مکرر سفیر سعودی در امور داخلی عراق به‌ویژه مسائل مربوط به حشدالشعبی، دولتمردان عراقی خواهان تغییر وی شدند. (پایگاه خبری/تحلیلی انتخاب، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵). السبهان، در اظهاراتی حتی مدعی شد که شبه‌نظامیان شیعه برای «ترور وی» با حمایت جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌هایی داشته‌اند.

در همین راستا، «عادل الجبیر»، وزیر امور خارجه عربستان سعودی نیز نیروهای داوطلب عراق که تحت عنوان «حشدالشعبی» برای مبارزه با داعش تشکیل شد را یک تشکل فرقه‌ای دانست که به فرمان ایران فعالیت می‌کند. الجبیر در نشست خبری مشترک با «ناصر جوده»، وزیر امور خارجه اردن در ریاض، مدعی شد: «حشدالشعبی در آینده عراق یکپارچه‌جایی نخواهد داشت» (خبرگزاری ایسنا، ۷ شهریور ۱۳۹۵).

آنچه مسلم است اینکه با توجه به تضاد ماهیتی در نظام سیاسی سعودی و عراق در وضعیت فعلی، دولتمردان سعودی ضمن اینکه از ابزار خودساخته و موهومی با عنوان

«تعمیش اهل سنت توسط حاکمیت عراق» سخن می‌رانند، آمریکایی‌ها را نیز در «دادن عراق در سینی طلائی» به جمهوری اسلامی ایران مقصر می‌دانند و اکنون حشدالشعبی را بازوی جمهوری اسلامی ایران در عراق ارزیابی می‌کنند (عادل محمد، ۲۰۱۵: ۲۱۸ - ۱۸۱).

رسانه‌های سعودی نیز که سابقه‌ای دیرینه در خبرسازی و وارونه نمودن اخبار و واقعیت‌های کشورهای منطقه به‌ویژه عراق و سوریه در راستای سیاست‌های ویرانگر و فتنه‌افکنانه آل سعود دارند، از هنگام تشکیل نیروهای داوطلب مردمی بنا به فتوای مرجعیت عالی شیعیان، مهم‌ترین هدف خود را تخریب وجهه این نیروها و درنهایت شعله‌ور کردن آتش فتنه مذهبی میان شیعیان و اهل سنت عراق قرار داده‌اند که البته تاکنون به دلیل هوشیاری ملت عراق و وجود مرجعیتی آگاه و بصیر همچون شخص آیت‌الله‌العظمی سید علی سیستانی و دیگر مراجع بزرگ شیعه و علمای آگاه اهل سنت، این توطئه‌ها با شکست روبه‌رو شده است، با این حال رسانه‌های سعودی همچنان بر این رویکرد مخرب و ویرانگر خود و البته مداخله‌جویانه در امور عراقی‌ها اصرار می‌ورزند.

اکنون نحوه خبرسازی درباره عراق از سوی رسانه‌های سعودی و تلاش برای القای مردمی نبودن نیروهای داوطلب مردمی و حتی ادعای اینکه این نیروها هیچ تعصب و دل‌بستگی به میهنشان ندارند، بیش از همه وحشت سعودی‌ها را از تأثیرگذار بودن نیروهای داوطلب مردمی و قریب‌الوقوع بودن پیروزی بر تروریست‌های تکفیری مورد حمایت آن‌ها نشان می‌دهد.

خط خبری رسانه‌های سعودی نشان‌دهنده عزم حامیان اصلی تروریست‌های تکفیری در عراق برای شعله‌ور کردن آتش فتنه مذهبی میان ملت عراق و بدبین کردن اهل سنت و کرد به نیروهای جان‌برکف مردمی است که هرچند بیشتر آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما در این نیروها، حتی از مردم اهل سنت و مسیحی هم حضور دارند. جوسازی و دروغ‌پراکنی رسانه‌های حامی تکفیری‌ها در حالی است که نیروهای داوطلب مردمی در نبردهای گذشته به‌ویژه در تکریت و فلوجه نشان دادند که هرگز طایفه‌ای نیستند و حامی اصلی اهل سنت هستند، نیروهایی که با عبور از مرزهای طایفه‌گری، به ندا و فریاد کمک‌خواهی اهل سنت در

صلاح الدین و رمادی پاسخ مثبت داده و جان خود را برای نجات آنها از شر تروریست‌های سلفی - تکفیری، بعثی و وهابی به خطر انداخته‌اند.

نگاهی به کارنامه ائتلاف ضد داعش

ساختار ناتوان نظامی - امنیتی چیده شده از سوی اشغالگران پس از سال ۲۰۰۳ میلادی، در واقع زمینه ساز اوضاع و شرایطی شد که ضمن اینکه دولت عراق را واجد خصلت ورشکستگی^۱ می نمود، حاکی از عدم اراده جدی نیروهای اشغالگر بیگانه برای پایان دادن به بحران‌های امنیتی عراق و مبارزه با تروریسم نیز بود. تأکید مسئولان و شخصیت‌های مختلف عراقی به استثنای معدودی از طرف‌های همسو با آل سعود بر اهمیت نقش نیروهای داوطلب مردمی در پاکسازی عراق از لوث تروریسم تکفیری، در حالی است که با وجود گذشت دو سال از تشکیل ائتلاف موسوم به ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری آمریکا، نگاهی به کارنامه این ائتلاف، بی‌اساس بودن ادعای سردمداران این ائتلاف مبنی بر مبارزه با داعش را اثبات می‌کند، زیرا یکی از مهم‌ترین ابهامات درباره این ائتلاف این بوده که از ابتدای تشکیل آن بسیاری از اعضای آن از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، خود از حامیان و تأمین‌کنندگان مالی داعش بودند و استمرار منازعه همچنان در دستور کار آنها قرار دارد.

در روزهای اول تشکیل این ائتلاف، کشورهای عضو آن از جمله وزیر خارجه وقت عربستان اعلام کرد که مبارزه با داعش ۱۰ سال به طول خواهد انجامید، این در حالی است که نیروهای عراقی از جمله نیروهای داوطلب مردمی در کمتر از دو سال تقریباً بیش از ۹۰ درصد اراضی تحت اشغال داعش را آزاد کردند.

اعلام این برنامه ۱۰ ساله با توجه به عملکرد ائتلاف ضد داعش نشان می‌دهد که این ائتلاف قصد داشت با به دست گرفتن پرونده مبارزه با داعش و حملات نمایشی با به‌کارگیری

ابزار داعش اهداف خود را در این مناطق محقق کند. این شرایط تا جایی تداوم یافت که علاوه بر سقوط موصل، خارج شدن بخش عمده‌ای از مناطق عراق را در استان‌های دیالی، الانبار و صلاح‌الدین از کنترل نیروهای نظامی - امنیتی عراق رقم زد.

یافته‌های تحقیق

مسلم است که اکنون حشدالشعبی به‌عنوان یک نهاد مردمی - عقیدتی نوین‌یاد که از دل تهدیدی به‌نام «تجاوز داعش به بخشی از خاک عراق» شکل گرفت، فرصتی بی‌نظیر در راستای موضوع امنیت‌سازی در عراق به شمار می‌رود و در واقع «تئوری وابستگی نظامی به قدرت‌های بزرگ در راستای ایجاد امنیت» را ابطال و چهارچوب‌های طراحی‌شده در قالب موافقت‌نامه نظامی - امنیتی واشنگتن و بغداد را بی‌اعتبار می‌نماید، ضمن اینکه از یک‌سوی دیگر، باور «تکیه به سازمان‌های مردم‌نهاد امنیت‌ساز» را در میان دولتمردان و سیاست‌گذاران عراقی تقویت کرده است.

بنابراین در حال حاضر، حشدالشعبی واقعیتی غیرقابل انکار در عرصه امنیت‌آفرینی عراق به شمار می‌رود که در این کشور، مخالفان و موافقان دارد. مخالفانی که درصدد حذف، تضعیف یا کاهش نقش این نیروی مهم مردمی هستند و موافقانی که در راستای تقویت، تثبیت و افزایش نقش آن تلاش می‌کنند.

نکته دیگر آنکه، شکل‌گیری حشدالشعبی در عراق، بیش از هر موضوع دیگر، نقش مرجعیت شیعی (دینی) را در عراق در راستای بسیج مردم احیا و برجسته‌تر کرد؛ به‌گونه‌ای که هم جامعه و هم مردم به قدرت معنوی و نرم بی‌بدیل آن بیش‌ازپیش پی بردند. البته از طرف دیگر، حوزه علمیه نجف نیز بار دیگر، بازیگر ایفای نقشی راهبردی در راستای رفع تهدیدات گردید. همان‌گونه که در سال‌های اولیه پس از سقوط صدام، با ایستادگی در مقابل طرح آمریکایی‌ها، از عدم سوق‌یابی کامل عراق به دامان لیبرالیسم غربی جلوگیری کرد و به برخی از منازعات میان جریان‌های سیاسی شیعی نیز پایان داد.

از این رو، می‌توان ادعا کرد که یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان به‌صورت خلاصه‌وار

بدین شرح بیان کرد:

- اتکا و اعتماد بیشتر به مردم در راستای امنیت‌سازی در میان دولتمردان عراقی
 - ابطال نظریه‌های اتکا به قدرت‌های بزرگ برای امنیت‌سازی در منطقه و بی‌اعتباری موافقت‌نامه نظامی - امنیتی واشنگتن و بغداد
 - بازیابی قدرت، نقش و نفوذ معنوی مرجعیت و حوزه نجف
 - اجماع جامعه، حکومت و حوزه علمیه نجف بر سر موضوع شکل‌گیری و تقویت حشدالشعبی
 - افزایش اعتماد عمومی به‌مثابه سرمایه اجتماعی در میان «اهل سنت مورد تجاوز قرارگرفته از سوی داعش» نسبت به جامعه شیعی
 - افزایش نقش «نیروهای رها از حاکمیت» در راستای کمک به حاکمیت عراق
- با این اوصاف، بر اساس این پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌های آن به نظر می‌رسد که اکنون ضمن اینکه حشدالشعبی به جزئی از نیروهای نظامی - امنیتی عراق تبدیل گشته، به‌علاوه به‌مثابه نیروی امنیت‌ساز در کنار ارتش عراق، به رفع تهدیدات از جانب تروریست‌ها کمک کرده است و در واقع می‌توان گفت که در چهارچوب قواعد و قوانین حاکم، پشتیبانی قوی برای نیروهای رسمی نظامی - امنیتی بوده است.
- بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش در واقع با توجه به سؤال مطرح‌شده اثبات می‌گردد، بر این مبنا که تشکیل نیروی با عنوان حشدالشعبی در ایجاد امنیت مردم‌پایه بسیار تأثیرگذار بوده؛ تا جایی که توانسته است، ضمن پر کردن خلأ ناشی از ناکارآمدی ارتش، تهدیدهای اصلی را از جامعه و حکومت عراق دور نماید. به‌علاوه، باور به قدرت امنیت‌آفرین مردم را در سیاست‌گذاران عراقی افزایش داده است.

نتیجه‌گیری

درواقع پیاده‌سازی «الگوی امنیتی مردم‌پایه» در عراق، حاکی از شکل‌گیری «قدرت دفاعی نوپایی» است که می‌تواند به سایر اضلاع محور مقاومت تسری یابد. نیروی‌های مردمی عراق

از صدها هزار جوان عراقی که در بیش از ۴۰ گروه فعالیت می‌کنند، در واقع با فتوای آیت‌الله سیستانی، هویتی دینی و اعتقادی یافته‌اند و توانسته‌اند در چهارچوب «امنیت بومی محور»، امنیت را در عراق ایجاد نمایند. از این رو نقش و جایگاه این نیروها در امنیت‌سازی قابل انکار نیست.

از سوی دیگر آن‌ها به این سمت حرکت کرده‌اند تا در نزد افکار عمومی، وجهه‌ای مطلوب کسب کنند و برای سیاستمداران و سیاست‌گذاران عراقی موجد این درک گردند که تکیه بر اشغالگران و قدرت‌های سلطه‌گر، موجب امنیت نخواهد شد و به این ترتیب وابستگی نظامی را امری منفور جلوه دهند.

بنابراین در تهدید هجوم داعش به خاک عراق و تصرف بخش‌هایی از جغرافیای این کشور، دوراندیشی و درایت مرجعیت نجف به فرصتی بی‌بدیل در ساختار نظامی - امنیتی عراق در راستای ایجاد امنیت مردم‌پایه تبدیل گردید. در نتیجه برای مهار وضعیت تهدیدآمیز داعش و جریان‌های تروریستی سلفی - تکفیری، نقشه راه مرجعیت در راستای «ایجاد امنیت مردم‌پایه» کارساز گردید و به دنبال آن مولودی به نام حشدالشعبی برای سامان دادن به اوضاع نابسامان شکل گرفت که چنانچه با جانب انصاف این موضوع را بررسی کنیم، خلأ کارآمدی نیروهای نظامی - امنیتی عراق را نه تنها پر نموده، بلکه خود توانسته است با الگوگیری از بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، به نیرویی ذاتی و پرتوان برای بازی در محور مقاومت، تبدیل گردد. همچنین باور اتکا به نیروهای مردمی را در ذهن دولتمردان عراقی رقم زده است.

در حال حاضر، حشدالشعبی، به‌رغم برخی چالش‌ها، واجد دستاوردهای بزرگی در صحنه نظامی - امنیتی بوده است؛ به‌گونه‌ای که ناکارآمدی توافقنامه نظامی - امنیتی میان واشنگتن و بغداد را بیش‌ازپیش نمایان ساخت و نگاه‌ها را به سمت «ایجاد امنیت بر پایه‌های عقیدتی و مردمی» سوق داده است.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آزاد، امیرحامد، (آذر ۱۳۹۵)، «سایه روشن حشدالشعبی»، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور، چ اول.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۹)، «صلح و امنیت بین‌الملل؛ رویکردی اسلامی»، در کتاب: حسین پور، احمدی «اسلام و روابط بین‌الملل؛ چهارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افشون، تورج، (۱۳۹۴)، «دین و عملانیت در ساختار حقوقی - حاکمیتی عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۶۲، صص ۶۸ - ۴۵.
- الوقت، «حشدالشعبی - نیروی بسیجی عراق؛ چرا و چگونه شکل گرفت؟»، پنج‌شنبه ۵ آذر ۱۳۹۴، قابل دستیابی در سایت: <http://alwaght.com/fa/news/2/274>
- بهمن، شعیب و کاظم خانلو، علی، (پاییز ۱۳۹۴)، «دیباجه‌ای بر دیپلماسی نهضتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۶۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۰۰ - ۶۹.
- پایگاه خبری - تحلیلی انتخاب، «واکنش ریاض به ادعای ایندپندنت»، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵، قابل دستیابی در: www.entekhab.ir/fa/news/290938
- تراز نیوز، گفت‌وگو با سید عمار حکیم، سه‌شنبه ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۵، به نقل از خبرگزاری مهر ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۵ برابر با January/2017 قابل دستیابی در سایت: <http://www.taraznes.com/content/120032>
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و عارف‌نژاد، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، «نشانه‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره چهارم.
- خبرگزاری ایلاف (بغداد)، «رفضنا تنسيقاً عسكرياً مع روسيا و ايران و سوريا»: قابل دستیابی در: <http://elaph.com/web/news/2015/10/10.43630.html>
- خبرگزاری مشرق نیوز - جزئیات کامل آزاد سازی شهر آمرلی - ۹ شهریور ۹۳ <http://www.mashregnews.ir>
- خبرگزاری المسله - انطلاق عملیه "تحرير" آمرلی بمشاركه الجیش والبيشمركه والحشد الشعبی - ۳۰ آگوست ۲۰۱۴ <http://almadapress.com/ar/news>
- خبرگزاری رویترز: [reuters - Iranians play role in breaking IS siege of Iraqi town- 1 Sep 2014](http://reuters.com)

<http://www.reuters.com/article/us-iraq>

- خبرگزاری ایسنا، «درخواست رسمی عراق برای تغییر سفیر عربستان در بغداد»، ۷ شهریور ۱۳۹۵، قابل دستیابی در: www.isna.ir/news/95060104474
- خبرگزاری ایسنا، ۸ دی ماه ۱۳۹۵، به نقل از پایگاه اینترنتی روز نو، قابل دستیابی در: <http://roozno.com/fa/news/244214>
- خبرگزاری مهر، «ابومهدی المهندس: احتمال حضور حشد شعبی در سوریه وجود دارد»
- سه‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۵ قابل دستیابی در سایت: <http://www.mehrnews.com/news/3867910>
- خبرگزاری تسنیم، ۱۰ دی ماه ۱۳۹۵، قابل دستیابی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/05/17/1147012>
- خبرگزاری شیعه نیوز - پاکسازی حومه اطراف بغداد - ۱۳ مهر ۹۴
- <http://www.shia-news.com/fa/news>
- عدنان عزیز، احمد، «دور الحشد الشعبی فی تعزيز الوحده الوطنیه»، بغداد: فصلیه فکریه حواری الفکر، السنه الحادیه عشر، العددان ۳۶-۳۷، رجب ۱۴۳۶ (نيسان ۲۰۱۶)، صفحات ۱۷۳-۱۶۸.
- عادل محمد، انور، (۲۰۱۵)، «العلاقات العراقیه - السعودیه، ارث الماضی و آفاق المستقبل»، بغداد: مرکز بلادی للدراسات، مجله دوریه ابحاث استراتیجیه، العدد التاسع، ايار ۲۰۱۵، صفحات ۲۱۸ - ۱۸۰.
- ویکی پدیا فارسی، «بسیج مردمی عراق»، ۱۵ ژوئن ۲۰۱۴، قابل دستیابی در: <http://fa.wikipedia.org/wiki> (15/06/2014)

